



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

جمعه ۰۱ مارچ ۲۰۲۴

حمید انوری

"کوچه ما" که کوچه ما نبود

منظور از "کوچه ما" در این مختصر، کوچه ما نیست، بلکه کوچه نویسنده توانا و قلم به دست چیره دست و خوش نویس، "محمد اکرم عثمان" است که خداوند خطا هایش را بر او ببخشاید. کتاب یا ناول سیاسی- اجتماعی شان که معنون است به "کوچه ما"، با یک سبک و روش خاصی تحریر یافته است که لااقل در افغانستان، هرگز مروج نبوده است و نخستین بار است که از این سبک نویسندگی که بسیار هم دلنشین و گیرا و منحصر به فرد است، استفاده شده است که در نوع خود بی نظیر است.

این کمترین تا همین چند روز پیش که تحفه پرارزش و گرانبهای خواهر مبارز و بی نهایت مهربان، محترمه ملال جان موسی نظام، برایم نرسیده بود، فقط جلد اول کتاب ماندگار "کوچه ما" را در اختیار داشته و آنرا به دقت مطالعه نموده بودم و جلد دوم آنرا در اختیار نداشتم.

آنگاه که با صد شوق تمام کارتن ارسالی "ملال جان" گرامی را گشودم، در بین کتاب ها، یکی هم دوجلد کتاب "کوچه ما" وجود داشت و در همین چند روز جلد دوم را با دقت مطالعه میکنم که از لطف و مهربانی خواهر گرانقدر، صمیمانه و از ته دل سپاسگزار هستم.

هر چند در مورد جلد اول نیز بعضی ناگفته هائی بود که باید گفته می شد، ولی نظر به بعضی ملحوظات در همان زمان از تذکر آن خودداری ورزیدم، اما اکنون که هنوز "کوچه ما - جلد دوم" تحت مطالعه قرار دارد، چارناچار، آنچه در لابلال صفحات آن نشانی میکنم؛ مختصراً با هموطنان شریک می سازم، تا مبدا به راه غلط روان باشم و روح و روان آن مرحومی از من آزرده گردد، که هرگز چنین مباد.

از اینرو عنوان این مختصر که از روی نام کتاب اکرم عثمان گرفته شده است، لاجرم "کوچه ما" است، اما کوچه ما نیست، بلکه کوچه اکرم عثمان است و این کمترین را گذری به آن کوچه افتاده است. چه باید کرد، طی طریق از هرکوچه مجاز است، ولو پر خوف و خطر هم باشد.

ایشان در صفحه ۲۷۴- جلد دوم در مورد ببرک کارمل چنین می نویسند: "... در هر حال وقتی که به قدرت رسید، به مراتب بیشتر از تره کی و حفیظ الله امین با مردم مدارا کرد..."

حال شاید برداشت هر کس متفاوت باشد و این حق مُسَلَّم هر انسان است، اما برداشت من از جمله بالا این تواند بود که اگر اندکی جمله فوق را حلاجی کنیم؛ به این نتیجه منطقی میرسیم که نظر به نوشته "اکرم عثمان" که معلومدار مکنونات قلبی شان بوده است، این بدان معنی تواند بود که رهبران حزب د. خ، از تره کی گرفته تا امین و ببرک و...، با مردم "مدارا" نموده بودند و ببرک از آنها بیشتر "مدارا" میکرده است.

من نمی خواهم که سراغ وحشت و دهشت و قتل و کشتار و ظلم و شکنجه و زنجیر و زولانه و گور های دسته جمعی و پلیگون و پلچرخی و...، بروم و یک به یک آنها را برشمارم. اینها همه بارها و بارها شمرده شده اند و می شوند هنوز و این رشته با درد و دریغ که انجامش ناپیدا است و طومار لایتناهی دارد.

اما و مگر و ولی، اگر معنی جمله فوق را این کمترین غلط درک نموده ام و به اشتباه رفته ام، صمیمانه از روح آن مرحومی معذرت می خواهم و یک درود و دعا هم عاجزانه به دنبال میفرستم. اما از هموطنان شریف ما که دستی بر ادب دری دارند و ضرور هم نیست که "استاد ادب دری" باشند، عاجزانه توقع دارم که به جمله فوق از "اکرم عثمان" دقت نموده و آنرا ته و بالا نموده و به یک نتیجه منطقی و قابل قبول برای اکثریت برسند و اگر این کمترین به غلط رفته باشم، مرا تنویر نموده منت گذارند.

باری اگر از "کوچه" اکرم عثمان گذر نمودید، در کوچه ما نیز درنگی نموده و نفسی تازه سازید.